

ISC
دارنده مجوز
۹۶۱۷-۱۲۸۰۲

ضرورت مشارکت والدین و مولفه های آن در برنامه های درسی دوره ابتدایی

قهرمان مددلو

دانشجوی دکتری تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران .

gmadadlou@gmail.com

زهره سعادت‌مند

استاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان) گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران.

zo.saadatmand@yahoo.com

محمد حسین یارمحمدیان

استاد، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

mhyarm@gmail.com

چکیده

مشارکت والدین در برنامه های درسی باتوجه به شناخت بیشتر والدین از کودکان ، علایق و نیاز های آنان و نهادینه شدن مشارکت بیشتر مورد تاکید است. هدف این مقاله تعیین مولفه های ضرورت مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی، از دیدگاه خبرگان این رشته می باشد. برای اجرای این پژوهش با توجه به موضوع و ماهیت آن از روش دلفی استفاده گردید. روش نمونه گیری در بخش کیفی از نوع گلوله برفی و حجم آن با توجه به قانون اشباع در تحقیقات کیفی می باشد. برای جمع آوری اطلاعات در بخش کیفی از پرسشنامه بدون ساختار و در بخش کمی از پرسشنامه ساختارمند استفاده شد. برای تعیین اعتبار آن در بخش کیفی توصیه ها و آموزش های لازم به اعضای گروه دلفی قبل از پاسخگویی ارائه و در بخش کمی از آلفای کرانباخ استفاده شد. برای روایی پرسشنامه از اساتید به عنوان داور جهت تعیین روایی سوالات استفاده گردید که بعد از تایید داوران در بین اعضای گروه توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کیفی پرسشنامه از روش رتبه بندی و چارک سوم به عنوان ملاک توافق و در بخش کمی از ضریب همابستگی کندال برای تعیین توافق بین نظرات خبرگان استفاده گردید. مهمترین یافته های تحقیق شامل : مشارکت والدین به عنوان منابع اطلاعاتی، مشارکت والدین نیاز امروز تعلیم و تربیت، شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه ها، بستر سازی برای مشارکت سایر افراد و عناصر دخیل، توانمند سازی برنامه های درسی، توصیه دین اسلام و عرف جامعه، مشارکت به عنوان یک ضرورت اجتماعی، شناسایی دقیق و بهتر ارزش های جامعه، شناسایی دقیق و لازم امکانات و موقعیتهایی طبیعی، ایجاد شرایط بهینه به منظور تربیت نسلی آگاه، زیان بار بودن آموزش بدون مشارکت والدین، ایجاد تعامل بیشتر بین مجریان و دریافت کنندگان خدمت، می باشد. نتیجه اینکه کاربرد این مولفه ها فرایند مشارکت در تعلیم و تربیت و تدوین و اجرای برنامه های درسی را بهبود بخشیده و میزان بازدهی کیفی را افزایش دهد.

کلمات کلیدی : برنامه درسی، مشارکت، والدین، ضرورت



مقدمه

مشارکت یک نیاز سرشتی انسان است، انسان بر پایه آفرینش خویش نیاز به تعلق و پیوند با دیگران دارد و خوی اجتماعی بودن در وی نهفته است. این گفته اندیشمندان که انسان یک موجود اجتماعی است، بیانگر آن است که انسان به صورت طبیعی و بر اساس سرشت خویش داوطلبانه با دیگران کار و زندگی می کند. نیازهای بنیادی انسان که از طریق مشارکت برآورده می شود و زندگی را فرا می گیرد، بطور عمومی، پاسخ به نیاز مشارکت انسان را فراهم می آورد. (جهانیان، ۱۳۸۸)

در عصر کنونی، برای تربیت نسلی نوین که بتواند اهداف توسعه ای کشور را برآورد کند نیاز به استفاده از ظرفیت ها و امکانات موجود احساس می شود. موضوع مشارکت و چگونگی آن در آموزش و پرورش در تاریخ ملت ها ریشه ای دیرینه دارد و در حال حاضر اهمیت آن دو چندان شد ه است به گونه ای که جامعه شناسان این مشارکت را محور اساسی توسعه و عاملی مهم در گسترش کمی و کیفی این مقوله دانسته اند. (عظیمی هاشمی، ۱۳۹۰). تحقق نظام آموزشی که ایفای نقش مردم در آن شأن و منزلت برجسته ای پیدا کند، یکی از آرزوهای برنامده ای است که جامعه ی ما با آن روبروست. اگر چه مشارکت و حضور مردم ما در صحنه ی آموزش و پرورش آغاز شده، ولی برای پیمودن راه کمال آن، گامهای زیادی باید برداشته شود. اندیشه ی نزدیکی اولیای خانه (والدین) با اولیای مدرسه، از دهه های نخستین شکل گیری تعلیم و تربیت جدید در کشور ما ظهور کرد. اما هنوز عوامل مختلف مانع از تحقق این نیاز مهم است. (عظیمی هاشمی ۱۳۹۰ به نقل از تیموری، ۱۳۸۷).

حیات اجتماعی و سیاسی جامعه بشری به تعاون و مشارکت اعضای آن بستگی دارد. این امر از طریق همیاری های مردمی استوار می گردد و آموزش و پرورش به عنوان مهمترین نظامی اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزای آن است. این نظام بدون مشارکت مؤثر مردم و کارکنان در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی نمی تواند فرایند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازد.

بیان مساله

تدوین مولفه های برنامه های درسی مورد نیاز برای مراکز آموزشی به ویژه آموزش و پرورش یکی مهمترین چالشهای دست اندر کاران حوزه مطالعات برنامه درسی است و به همین خاطر پژوهش های مختلفی در سراسر دنیا و ایران به منظور تدوین مولفه های برنامه درسی جهت کاربردی نمودن فرایند برنامه ریزی درسی با توجه به رویکرد های متفاوت تالیف و نگاشته می شود.

مشارکت در امور و انجام فعالیت های روزمره پدیده ای است که در جهان امروز به آن تاکید شده و اهمیت آن در حوزه تعلیم و تربیت به طور اعم و حوزه مطالعات برنامه درسی بطور اخص به علت تیمی بودن کار برنامه ریزی و مؤثر بودن آن مورد توجه نظامهای تربیتی و آموزشی است.

شواهد و قرائن نشان می دهد که مشارکت در طراحی و تدوین و اجرای برنامه های درسی در بعضی از کشورهای دنیا یک روش معمول است ولی این موضوع در کشور ما به دلایل مختلف نظیر متمرکز بودن نظام آموزشی عینیت پیدا نکرده است و والدین در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی نقش خاصی ندارند. و یا نظام آموزشی چیزی از آنها نخواسته تا با انجام آن در طراحی و تدوین برنامه های درسی مشارکت داشته باشند. این پژوهش سعی دارد مولفه های برنامه درسی مبتنی بر مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی را با توجه به نظرات متخصصان حوزه برنامه درسی در رابطه با مفهوم و ضرورت مشارکت والدین را بررسی و مولفه های آن را استخراج و تعیین نماید.

اهمیت و ضرورت مساله



مشارکت امری است که مکتب تربیتی اسلام آن را بیشتر سفارش کرده و از مسلمانان می خواهد که در انجام امور خود مشارکت و همکاری داشته باشند ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مانده ۲/) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است

مشارکت یک فراگرد سهیم شدن در کار هاست ، کاری است که می تواند به صورت های مختلف تجلی یابد . پژوهش ها نشان می دهد مشارکت والدین در امور مدارس موجب نگرش مثبت والدین نسبت به خود، مدرسه و نقش کادر آموزشی در رشد و تربیت فرزندشان می شود (البرزی ، ۱۳۹۱). چنانچه والدین در سطوح متفاوت مشارکت ، مانند تصمیم گیری ، کار داوطلبانه ، کار با کودک ، کار با کودک در خانه و ... دخالت داشته باشند ، پیشرفت فرزندشان بیشتر است . (بهبودی ، ۱۳۸۷)

جریان گسترده تربیت ، به منظور زمینه سازی مناسب جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت همه افراد ناگزیر از مشارکت و پشتیبانی عوامل متعددی است . در این میان برخی از اشخاص ، سازمانها و نهادها به طور مستقیم در جریان تربیت مداخله می کنند . و برخی دیگر بطور غیر مستقیم بر موفقیت جریان تربیت تاثیر می گذارند. به سخن دیگر ، جریان مستمر تربیت با فعالیت هدفمند عوامل متعددی در جامعه محقق می شود که مشارکت و تعامل آنها با همدیگر به تداوم و توسعه این جریان کمک می نماید.

بر اساس میزان مداخله و تاثیر گذاری در جریان تربیت می توان عوامل مشارکت کننده در جریان تربیت را به دودسته کلی تقسیم کرد که عبارت است از : عوامل سهیم در تربیت و عوامل موثر در تربیت . در بین این عوامل برخی از آنها تربیت را تنها کارکرد اصلی و رسالت سازمانی خود قرار داده اند . موسساتی مانند : مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه که غرض اصلی اجتماع از تاسیس و تداوم فعالیت آنها انجام فعالیت تربیتی در سطوح مختلف است . اما بعضی دیگر از عوامل تربیت ، نهاد های اجتماعی با کارکردهای متعدد ند (نظیر خانواده ، رسانه ، مسجد و دیگر نهاد های فرهنگی) که با توجه به امکانات و ظرفیت های خود می توانند و بلکه باید، نقش موثری را نیز در جریان تربیت بر عهده گیرند. بنابراین اطلاق عنوان "عامل جریان تربیت" به این گروه از نهاد های اجتماعی ، منوط و محدود به حیثیت نقش آفرینی آنها در این جریان است و لذا می توان و بلکه باید آنها را از حیثیتی دیگر نیز جز عوامل موثر بر تربیت دانست. (سند ملی برنامه درسی ویراست سوم ، ۱۳۹۱، ص ۶۴)

با توجه به نقش خانواده در جریان تربیت و تاکید برنامه درسی ملی بر ضرورت این عوامل در شکل گیری و تاثیر گذاری در ابعاد مختلف آموزشی و تربیتی اهمیت مشارکت والدین در تعلیم و تربیت و برنامه های درسی معلوم می گردد .

بر اساس یافته های پژوهشی ، والدینی که در برنامه های مدرسه مشارکت می کنند ، احساس مثبت تری نسبت به مدرسه و آموزش و پرورش کودکانشان نشان می دهند . تا والدینی که در این گونه برنامه ها شرکت نمی کنند . نتایج وجود همبستگی مثبت بین مشارکت خانواده و موفقیت دانش آموز را نشان می دهد . (حسنی نیاز ، ۱۳۹۱)

خانواده به عنوان نهاد اجتماعی که والدین و کودک عضوی از آن هستند در تحول ساختار شخصیتی ، اجتماعی و اخلاقی و عاطفی کودک نقش بسزایی دارد والدین به عنوان نخستین مربیان کودک در آموزش و پرورش سهیم می باشند . چون والدین ، کودک را ساخته و آماده ورود به مراحل بعدی آموزش می نمایند آموزشی که متولی آن آموزش و پرورش است و والدین زیر بنای آن را طراحی و ساخته اند . والدینی که از ویژگیهای فردی و اجتماعی کودکان آگاه بوده و نیاز ها و علایق و حتی از نفرت ها و خشم او و... اطلاع کافی دارند . از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است و اعمال و رفتار او متأثر از آداب و رسوم و سنت های اجتماعی است بدون وابستگی به گروه احساس امنیت و آرامش نمی کند . بنا بر این هنگامی که ساختار مدرسه به گونه ای باشد که حس متعلق بودن و یکپارچگی را آموزش دهد والدین و دانش آموزان می



توانند زندگی کردن، یاری دادن و کار کردن در کنار هم را یاد بگیرند. درک روابط خانه و مدرسه به همکاری بیشتر، تعهد و اعتماد بین والدین و کارکنان مدرسه ختم می گردد که نتیجه آن رشد آموزشی و شناختی بیشتر دانش آموزان است. (هور- دمپسی و سندلر ۱۹۹۷)

با توجه به موارد فوق و شرایط موجود در آموزش و پرورش و پایین بودن سطح مشارکت والدین انجام چنین تحقیقی ضروری است، چون با عملی شدن یافته های این تحقیق والدین به عنوان اعضای کلیدی مشارکت وارد نظام آموزش و پرورش رسمی گردیده و نقش خود را ایفا می نمایند و عملاً در فرایند برنامه های درسی و تصمیم گیری ها، مشارکت نموده و همگام با سایر کشورها نقش بسزایی در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی به عمل خواهند آوردند.

روش شناسی تحقیق

برای تعیین مولفه های مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی (عنصر روش) از روش دلفی که یک تکنیک مهم در مباحث آینده پژوهی است، استفاده شده، که در آن از طریق جمع آوری نظرات خبرگان در مراحل متفاوت (حداقل سه مرحله) در باره یک موضوع خاص به اجماع و توافق می رسند.

این تکنیک به عنوان یکی از روش های مطرح در آینده پژوهی همواره راهگشای بسیاری از دغدغه های آینده است. در این روش نظرات خبرگان مورد توجه است. از دیدگاه روش دلفی، قضاوت های انسانی به مثابه ورودی های مشروع و سودمند برای انجام پیش بینی ها می باشند. (احمدی ۱۳۸۸).

جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان یا متخصصین حوزه برنامه درسی دوره ابتدایی است که دارای تجارب ارزنده ای در باره موضوع تحقیق می باشند. این افراد بر اساس داشتن صلاحیت های مانند: دانش و تجربه لازم در موضوع، تمایل به شرکت، زمان کافی برای شرکت، داشتن مهارت ارتباطی انتخاب می شوند. (احمدی، ۱۳۸۸).

برای نمونه گیری در بخش کیفی تحقیق از روش گلوله برفی، و برای تعیین حجم نمونه بر اساس قانون تحقیقات کیفی و تکنیک دلفی رسیدن به اشباع نظرات اندیشمندان با توجه به اهداف، موضوع و ماهیت تحقیق گردید در بخش کیفی اجرای پرسشنامه تا نفر ۱۴ ادامه یافت یعنی در نفر چهاردهم تحقیق از نظر حجم نمونه با توجه به اینکه موضوعات بیشتر تکرار بودند به اشباع رسید. و در بخش کمی پرسشنامه به منظور رسیدن به هماهنگی مورد نظر پرسشنامه های ساختار مند بین ۳۴ نفر که همه از صاحب نظران و متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی می باشد برای پاسخگویی توزیع گردید.

برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق در بخش کیفی ابتدا جلسات توجیهی با پاسخ دهنده گان برگزار و آموزش های لازم جهت پاسخگویی به سوالات ارائه گردید در بخش کمی برای تعیین اعتبار از آزمون آلفای کراباخ استفاده شد که مقدار آن برابر $(\sigma = .811)$ محاسبه گردید که نشانگر این است که آزمون از اعتبار کافی برخوردار می باشد. برای تعیین روایی پرسشنامه در بخش کمی جلسه ای با حضور پژوهشگر و دو نفر از متخصصان پژوهش و سنجش طراحی و تنظیم گردید. سپس جهت تعیین روایی ابزار آزمایش و صحت گویه ها به تایید سه نفر از متخصصان برنامه درسی رسید و نهایتاً بعد از اصلاح موارد لازم برای اجرا و جمع آوری اطلاعات آماده گردید.

برای جمع آوری اطلاعات تحقیق، ابتدا پرسشنامه بدون ساختار با توجه به سوالات تحقیق برای شناسایی مولفه های اصلی طراحی و بین خبرگان توزیع گردید. از میان پرسشنامه های بدون ساختار مفاهیم کلیدی استخراج سپس برای جمع بندی و استخراج مولفه های مورد توافق از پرسشنامه



ساختارمند استفاده گردید و برای تحلیل نتایج طبق قوانین دلفی از روشهای کمی و تکنیک رتبه بندی با تعیین چارک سوم به معنای حداقل لازم جهت پذیرش نظرات خبرگان در بخش کیفی استفاده شد. و در نهایت از ضریب کندال (W) و آزمون خی^۲ در آمار استنباطی برای تعیین میزان هماهنگی بین نظرات خبرگان استفاده گردید

وضعیت مشارکت والدین در برنامه های درسی کشورهای دیگر

مهمترین موضوع مورد توجه در مشارکت در طرح ریزی و برنامه درسی این است که تعیین کند، یک برنامه کامل با فرصت های یادگیری مختلف که بهترین کارآیی را داشته باشد، با مشارکت کدام نیروها اتفاق می افتد؟ یا به سخن دقیق تر، ترکیب بهینه تصمیم گیران در برنامه درسی شاگرد محور چگونه است؟ از آنجایی که همه افراد با توجه به تصمیمات خود زندگی می کنند باید بتوانند نقش مؤثری در تصمیم سازی برای خود داشته باشند. بنابراین شایسته است والدین، دانش آموزان و اداره کنندگان راجع بر تعلیم، مشارکت کامل داشته باشند اما به صراحت باید اذعان داشت که آنچه عموماً در مدارس ما اتفاق می افتد هدایت و اقتدار کامل از سوی صاحب نظران تعلیم تربیت است، وجود چنین اقتداری می تواند نیروی کاوشگر و خلاقانه را در دانش آموزان و نیز معلمین تا اندازه زیادی از بین ببرد. اما به عوض نوعی تمرکز زدایی است.

از آنجایی که در برنامه های درسی غیر متمرکز و حتی نیمه متمرکز تصمیم گیرندگان مختلفی از جمله معلمان، مدیران، برنامه ریزان، والدین و فراگیران نقش بازی می کنند و در مورد عناصر برنامه تصمیم گیری کرده و اظهار نظر می نماید. پس می توان گفت که مشارکت، جهت برنامه های درسی را به طرف نیمه متمرکز و یا غیر متمرکز سوق می دهد. به نظر می رسد در نظر گرفتن جنبه های منفی برای تمرکز و تمرکز گرایی، کار مورد ستایش و غیر قابل تردید برای اصلاحات نظام آموزشی در اکثر کشورهای جهان است. (سلسبیلی، ۱۳۸۶)

در آمریکا تمرکز زدایی در دهه ۹۰ به سوی تأمین مستقیم منابع به وسیله ی مدارس، ارتقای حقوق والدین برای انتخاب مدارس و تأمین منابع مالی مدارس از طریق والدین صورت پذیرفت. (سلسبیلی، ۱۳۸۶).

تحلیل ها آن طور که ویتی، پاور و هالپین مطرح می کنند نشان می دهد که قانون مدارس چارتر در آمریکا از این دیدگاه پشتیبانی می کند که سیاست گذاران و تصمیم گیران وزارت آموزش و پرورش آماده اند به مدارس و والدین در سطح محلی اقتدار بیشتری (به خصوص در زمینه تأمین مالی) ببخشند. اما کمتر حاضر بودند کنترل آموزش و برنامه درسی را در سطوح بالاتر حکومت از دست بدهند.

اودونوگو و دیماک^۱ (۱۹۹۸) یادآوری می کند که ساختار آموزش و پرورش آمریکا در دهه ۸۰ و ۹۰ بر چهار راهبرد متمرکز گردیده است:

الف). مدیریت مبتنی بر مدرسه؛

ب) مشارکت و قدرت انتخاب والدین در تصمیم گیری ها؛

ج) غنای تخصصی و قوت یافتن معلم (د) تدریس برای فهمیدن.

¹. O,Donoghue,Thams and Dimmok clive



انگلستان و ویلز: تغییر در ساختار نظام آموزشی انگلستان در سطح ملی به صورت دور شدن از اقتدار و تصمیم گیری از سطح منطقه ای و ناحیه ای به سمت کنترل مالی و مدیریتی در هر یک از مدارس و از نظر تأمین مالی و مدیریت، مدارس به سمت حالتی شبه بازداری در کار آموزش و پرورش رفتند (ویتنی و هالپین، ۱۹۹۸)^۲

در انگلستان و ویلز با تدوین برنامه درسی ملی تلاش بر حرکت به طرف تمرکززدایی می باشد اما با توجه به برنامه درسی ملی حکومت مرکزی برسرفصل ها و موضوع مطالب درسی کنترل لازم را انجام می دهد.

در حال حاضر در انگلستان و ویلز، بیشتر مدارس کنترل کاملی بر بودجه های خود دارند و در صورت رأی اکثر والدین دانش آموزان توانایی خارج شدن از کنترل مقامات محلی را هم دارند. انتخاب مدیر و معلمان نیز مدتی است که در محل مدرسه صورت می پذیرد و از این نظر دست مدارس باز شده است.

در زلاند نو نیز تغییرات قابل توجهی در زمینه تمرکز زدایی رخ داد که به قدرت رسیدن هیئت اماندار مدرسه و کسب قدرت عزل و نصب به وسیله مدیر مدرسه از آن جمله می باشد. موقعیت زلاندنو نشان دهنده راهی بود که در آن انتظار می رفت سیاست های تمرکز زدایی احتمالاً به تسهیل گسترش سیاست های آموزش مردم سالار برابری خواه بینجامد. (سلسبیلی، ۱۳۸۶)

در ایران خوشبختانه چند سالی است که توجه به سوی عدم تمرکز بخصوص در امور مالی و اجرایی برنامه های آموزشی مبذول شده است و اقدام های قابل توجهی در این زمینه از جمله تشکیل دفاتر آموزشی در مناطق و دادن اختیار بیشتر به مسئولان محلی صورت گرفته است. امید است که در طراحی و اجرای برنامه های آموزشی بخصوص مدیران و معلمان و دانش آموزان و اهالی مناطق باز شود و از نظرات و راه حل های آنها درباره مسائل و مشکلات آموزشی و هم چنین درباره نیازهای محلی و کمیت و کیفیت امکانات و شرایط موجود استفاده بیشتری بشود. تنها از این راه هست که برنامه های آموزشی کشور ما هر یک رنگ و بوی استان و منطقه و شهر معینی را خواهند گرفت (پروند، ۱۳۹۱).

مشارکت والدین در فرایند تعلیم تربیت با توجه به مبانی آن و اهمیت مشارکت بسیار مهم و ضروری به نظر می رسد از طرف دیگر مشارکت والدین در فرایند برنامه های درسی به نوعی ایجاد تغییر در برنامه های درسی است. و تغییر در برنامه های درسی به عوامل متعددی در حوزه سیاست، اقتصاد، اجتماع و .. وابسته است. که در راستای پاسخگویی به نیازهای برآمده از این عوامل به عمل می آید. (مردان اربط، ۱۳۹۲، به نقل از ماتا، ۲۰۱۲). تغییر در برنامه های درسی همچون بسیاری از پدیده های اجتماعی در بستر فرهنگ و زمینه اجتماعی اتفاق می افتند و این فرهنگ و یا زمینه بر نتایج اثر می گذارند. بنابراین دست اندرکاران تعلیم و تربیت باید به این پیچیدگی ها و فرایندهای نهفته در تعاملات آنها توجه داشته باشند. معمولاً تحقق اهداف تغییر برنامه درسی به عوامل عمده ای همچون مدرسه و معلم، موضوعات درسی، یادگیرنده و عوامل اجتماعی و زمینه ای بستگی دارد در این میان خانواده و والدین به عنوان یکی از عوامل اجتماعی و زمینه ای نقش بسیار برجسته ای در تحقق آن دارند. والدین در سطوح متفاوتی در مدارس مشارکت دارند و از آنجا که والدین نزدیکترین گروه به دانش آموزان هستند و تجربیات مثبت و منفی فرزندان خود را می شناسند. بنابراین مشارکت آنها در برنامه های درسی و مدرسه گریزناپذیر است. (مردان اربط، ۱۳۹۲)

امروزه در جامعه ما والدین نقش عمده ای در آموزش و پرورش فرزندان خود بر عهده گرفته اند. این امر از یک سو به احساس مسئولیت و نگرانی آنها نسبت به آینده فرزندانشان مربوط می شود و از سوی دیگر ناشی از سهمی است که نظام آموزشی کشور و مدارس بر عهده آنها گذاشته

². Whitty, Gooff, power, salley & Halpin, david



است (عباس زاده، ۱۳۸۶). با توجه به موارد فوق شناسایی تجربیات والدین در خصوص مشارکت در برنامه های درسی مدارس برای تصمیم گیری در هر نوع تغییری لازم و ضروری است.

یافته های پژوهش

در بررسی و تحلیل نظرات برای استخراج مولفه های ضرورت مشارکت والدین با توجه به روش و تکنیک دلفی مورد استفاده در این مولفه های استخراج شده از مراحل اول و دوم که حداقل لازم را با توجه به رتبه و چارک سوم بدست آوردند به عنوان مفاهیم و مولفه های پذیرفته شده از دیدگاه خبرگان و صاحب نظران حوزه برنامه درسی محسوب می گردند که عبارت است از :

جدول شماره ۱: تحلیل نظرات اعضای پانل در مورد ضرورت مشارکت والدین در برنامه های درسی

ردیف	مولفه های استخراج شده	کد های مرتبط	میزان توافق
۱	ضروری بودن مشارکت والدین به عنوان منبع اطلاعاتی	۱۱-۴۰-۷۸-۱۱۲-۱۷۴-۲۴۱-۲۶۸-۳۱۳-۴۹۰-۴۴۰-۳۹۷-۳۴۵	$Q3 > 86\%$
۲	مشارکت والدین نیاز امروز جامعه تعلیم و تربیت	۲۱-۴۱-۸۶-۱۱۹-۱۵۵-۱۸۶-۲۴۲-۳۰۶-۳۶۳-۵۴۷-۵۱۱-۴۴۱-۴۰۵	$Q3 > 86\%$
۳	مشارکت توجه به نقش تربیتی والدین	۴۰-۶۳-۸۱-۹۶-۱۶۴-۲۶۴-۲۹۰-۳۲۱-۳۵۰-۴۹۵-۴۴۹-۳۹۸	$Q3 > 86\%$
۴	توانمند سازی برنامه های درسی	۲۲-۳۶-۱۱۷-۱۵۲-۲۳۷-۱۸۷-۱۵۴-۱۱۸-۳۷-۵-۴۰۶-۳۶۴-۳۰۸-۵۴۲-۵۲۱-۴۶۴	$Q3 > 79\%$
۵	مشارکت توصیه و سفارش دین اسلام	۵-۳۷-۱۱۸-۱۵۴-۱۸۷-۲۲۶-۲۶۹-۳۰۹-۵۴۳-۵۱۹-۴۶۵-۳۶۵	$Q3 > 86\%$
۶	مشارکت به عنوان یک ضرورت اجتماعی و مدنی	۱۷-۸۵-۱۵۶-۱۸۸-۲۳۱-۲۳۱-۲۷۱-۳۴۱-۴۰۷-۵۴۴-۵۲۰-۴۶۶-۴۳۶	$Q3 > 86\%$
۷	مشارکت برای شناسایی دقیق و بهتر ارزش های جامعه	۲۰-۱۲۱-۱۶۰-۲۰۲-۲۳۶-۲۷۳-۳۱۵-۴۰۸-۵۶۵-۵۱۲-۴۶۷	$Q3 > 79\%$
۸	شناسایی دقیق و کامل امکانات و موقعیتهای طبیعی و محلی جامعه	۲۴-۴۲-۱۰۷-۱۶۱-۲۵۲-۳۴۷-۳۹۹-۴۰۹-۵۴۹-۵۲۲-۵۰۱-۴۷۹	$Q3 > 86\%$
۹	ایجاد فرصت برای تربیت نسلی آگاه و مسئول	۲۳-۴۳-۱۰۹-۱۶۶-۲۰۳-۲۳۸-۲۹۷-۳۶۷-۵۶۱-۵۲۳-۴۸۰-۴۱۰	$Q3 > 86\%$
۱۰	زبان بار بودن تربیت بدون مشارکت	۳-۴۶-۱۰۷-۱۲۲-۱۹۷-۲۳۹-۲۷۴-۴۱۱-۵۴۶-۵۲۴-۴۵۲	$Q3 > 79\%$



% $Q3 > 86$	۶-۴۷-۱۲۳-۱۹۶-۲۴۳-۲۷۷-۳۶۸-۴۱۲- ۴۳۷-۴۷۷-۵۲۵-۵۵۰	مشارکت عاملی برای ایجاد تعامل بیشتر	۱۱
-------------	--	-------------------------------------	----

با توجه به نتایج جدول بالا می توان گفت چون میزان توافق حاصل شده در هر یک از مولفه ها از چارک سوم (نقطه ۷۵ درصدی) در همه موارد بیشتر می باشد. بنا براین موارد فوق به عنوان مولفه های ضرورت مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی از دیدگاه صاحب نظران مورد قبول قرار می گیرد.

جدول شماره ۲: محاسبه ضریب کندال برای مولفه های ضرورت مشارکت

تعداد (f)	ضریب کندال (w)	درجه آزادی (d.f)	Chi-square	سطح معنی داری (sig)
۳۴	۰/۱۹۸	۱۰	۶۷/۴۳	۰/۰۰۱

با توجه به جدول فوق و مقدار $w = 0.198$ ، $Chi-square = 67/43$ با درجه آزادی ۱۰ و مقدار $sig = 0.001$ می توان گفت که میزان هماهنگی اعضای پانل در تایید مولفه های مربوط به ضرورت مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی معنی دار می باشد. به عبارت دیگر بین نظرات اعضای گروه در تایید مولفه های ضرورت مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی هماهنگی بیشتری وجود دارد.

با توجه به مقادیر حاصله می توان گفت: چون تمام مولفه های نوشته شده از نظر خبرگان بالاتر از چارک سوم یعنی نقطه ۷۵ درصدی قرار گرفته اند بنابراین می توان گفت که موارد فوق مولفه های مشارکت والدین در برنامه های درسی دوره ابتدایی از دیدگاه صاحب نظران می باشد.

بحث و نتیجه گیری

" ضروری بودن مشارکت والدین به عنوان منبع اطلاعاتی " مولفه نخست بوده که مورد تایید قرار گرفته است. با توجه به اینکه برنامه ریزان درسی بخش مهمی از اطلاعات مورد نیاز از قبیل نیازهای مادی و عاطفی و اجتماعی و علایق و تمایلات آنان را از والدین می توانند دریافت کنند لذا در بحث مشارکت والدین می توانند به عنوان منبع مهم اطلاعاتی تلقی شوند. یافته های (بریح، ۲۰۱۵)، (سلسبیلی، ۱۳۸۶)، (پروند، ۱۳۹۱) و (ملکی، ۱۳۹۲) موید این موضوع می باشد.

مولفه دوم عبارت است از " مشارکت والدین نیاز امروز جامعه تعلیم و تربیت " می باشد. با بررسی پیشینه و تجارب کشور های پیشرفته و به ویژه کشور هایی که نظام آموزشی غیر متمرکز دارند. این موضوع عینیت پیدا می کند، چون در نظامهای آموزشی غیر متمرکز و نیمه متمرکز هر قدر به سطوح پایین تر تصمیم گیری و طراحی برنامه های مختلف می رویم نیاز به مشارکت والدین بیشتر احساس می شود. این موضوع با نظرات (پروند، ۱۳۹۱) و (صالحی مرزی، ۱۳۸۲) همسویی داشته و تجارب پژوهشگر ناشی از بررسی پیشینه موید موضوع می باشد.

مولفه سوم این سوال عبارت است از " مشارکت عامل توجه به نقش تربیتی والدین " می باشد. از آنجایی که والدین به عنوان افراد نزدیک به فرزندان خود شناخت همه جانبه از فرزندان خود دارند و در مقابل فرزندان وظایف و نقش ها مختلفی به عهده دارند. بنا بر این، این موضوع بیشتر مورد توجه صاحب نظران بوده و با تجارب پژوهشگر و ا دیدگاه (امیری، ۱۳۹۱) و (به پڑوه، ۱۳۹۰) همسویی دارد.



از مولفه های مورد تایید دیگر در رابطه با ضرورت مشارکت " توانمند سازی برنامه های درسی " است. مشارکت والدین در برنامه های درسی در بخش های مختلف به ویژه در اجرا باعث سهولت امور و بهبود فرایند یادگیری فراگیران گشته و عملاً برنامه های درسی را توانمند می سازد. والدین با اعمال نظرات خود در طراحی ، اجرا و ارزشیابی برنامه های درسی از طریق نمایندگان خود تنوع و غنا لازم را به برنامه ها داده و توانمندی لازم را در آنها بوجود می آورند. این مولفه با نظرات (فوی، ۱۹۹۷) و (مردان اربط، ۱۳۹۲) همسویی دارد.

مولفه تایید شده دیگر عبارت از " مشارکت توصیه و سفارش دین " می باشد. بررسی متون اسلامی موجود و سایر متون تخصصی نشانگر توجه دین مبین اسلام به بحث مشارکت در اجرای کارها و برنامه های مختلف می باشد. دین اسلام بارها در قرآن و متون روایی بحث مشارکت و مشاوره را در انجام امور بطور آشکار بیان نموده است . (سوره مائده، آیه ۲) موید موضوع و نظرات (جهانیان، ۱۳۸۸)، (کلانتری، ۱۳۹۰) و (عزیزی، ۱۳۹۱) با این مولفه همسویی دارد.

از مولفه های مهم دیگر در رابطه با ضرورت مشارکت والدین " زیان بار بودن تربیت بدون مشارکت " می باشد. این موضوع با مبانی فرهنگی ، دینی ، و اجتماعی ما کاملاً منطبق می باشد. چون انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و در انجام کارها مشارکت را ترجیح می دهد، در مسائل فرهنگی نیز برگزاری اجتماعات و مراسم جمعی و گروهی نشانگر این موضوع است . از طرف دیگر در دین ما به مشارکت در انجام کارها توصیه شده است. لذا اگر در تعلیم و تربیت و یا انجام سایر کارها ی مختلف مشارکت نشود متضرر خواهیم شد . پژوهش های (حسین زاده، ۱۳۸۷) ، (فصاحت، ۱۳۸۲) و (فوی ، ۱۹۹۷) موید موضوع فوق می باشد .

مولفه مهم دیگر در رابطه با ضرورت مشارکت والدین " مشارکت عاملی برای ایجاد تعامل بیشتر " می باشد. این موضوع در ماهیت کارهای مشارکتی وجود دارد . چون کار مشارکتی تعامل نیاز دارد و تا این تعامل ایجاد نشود مشارکت عملی نخواهد شد. در تعامل افراد راههای مختلفی برای انجام امور پیشنهاد می نمایند تا با مشورت و تبادل نظر بهترین آن انتخاب گردد. تحقیقات (زارع، ۱۳۹۲) و (ویلفورد ، ۲۰۰۴) با این موضوع همسویی دارد.

با توجه به یافته های تحقیق و نص کریم قرآن و متون اسلامیو به منظوذ توانمند سازی برنامه های درسی ، مشارکت والدین به عنوان یک ضرورت ، و نیاز به آن از طرف مسئولان جدی و مستمر پیگیری گردد تادر برنامه های درسی اعمال شو د. برنامه های درسی مدارس به طرف برنامه های درسی مدرسه محور یا حداقل نیمه متمرکز گرایش پیدا کند با عنایت به نقش تربیتی والدین در طراحی برنامه های درسی نظرات والدین و یا نمایندگان آنها مد نظر قرار گیرد. با اجرای برنامه های درسی تعامل بین مدارس و اولیای مدرسه بیشتر شده و عملاً از ظرفیتهای مناطق و مدارس و معلمان و والدین به نحو مطلوب استفاده خواهد شد.



منابع و ماخذ:

- قرآن مجید ، ترجمه معزی ، سوره مائده ، آیه ۲.
- احمدی ، نسیبه (۱۳۸۸)، معرفی و نقد روش دلفی ، مجله علوم اجتماعی ، شماره ۲۲.
- البرزی، شهلا (۱۳۹۱)، روش های نوین ارتباط والدین با مدرسه ، انتشارات پژوهشکده خانواده.
- امیری ، شیدا (۱۳۹۱) ، « بررسی پدیدارنگارانه ی درک و تجربه والدین و معلمان از مشارکت والدین در آموزش و پرورش »، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان ، گروه علوم تربیتی.
- بهبودی ، هایده (۱۳۸۷)، اهمیت مشارکت والدین در فعالیتهای مدرسه، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۸۷.
- پروند ، محمد حسین (۱۳۹۱) مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران : انتشارات صحیفه.
- جهانبیان ، رمضان (۱۳۸۸)، راهکارهای توسعه نظام مدیریت مشارکتی در واحدهای آموزشی، از دیدگاه مدیران، معاونان و معلمان، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، دوره ۲۳، شماره ۲۱.
- حسینی نیاز، مجتبی (۱۳۹۱) ، عوامل موثر در شرکت فعال والدین در امور آموزشی و پرورشی دانش آموزان متوسطه شهر تهران از دید مدیران ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد مرکزی تهران.
- سلسبیلی ، نادر (۱۳۸۶) ، گذار نظام برنامه ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه ی درسی، با تاکید بر برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه ، فصل نامه مطالعات برنامه درسی ، سال اول ، شماره ۴.
- سند ملی برنامه درسی ایران (۱۳۹۱) سازمان پژوهش و برنامه ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه.
- عزیز زاده، هادی (۱۳۸۰) ، مدیریت مدرسه محوری: تحلیل مدیران نیرو برای اجرای مدیریت مدرسه – محور در ایران ، تهران : سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- عظیمی هاشمی ، (۱۳۹۰) بررسی شیوه های مشارکت مردم در آموزش و پرورش و راهکارهای آن، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان – اصفهان.
- ملکی ، حسن (۱۳۹۲)، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران : انتشارات سمت.
- مردان اربط، فاطمه (۱۳۹۲)، مطالعه تجربیات والدین از مشارکت در اجرای برنامه درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ (یک مطالعه پدیدار شناسی) ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تبریز ، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی .

منابع خارجی

- Bennet, Brigid (2015)- Policies and practices of parental involvement and parent – teacher relations in Irish primary Education . Ireland University .
- Foy, N (1997). Empowering people at work, Cambridge: Gower.-
- Hoover- Dempsey, K. V. & Standler, H. M. (1997). Ehy do parents be come Involved in their childreens education? Review of educational research 61, 3.4.
- O, Donoghue, Thams and Dimmok clive (1998) . school Restructuring, International perspective. uk: Kogan page ltd
- Whitty, Gooff, power, salley & Halpin, david . (1998) Devolution choice in Education . The school The state and The market
- Wellford, J. (2004). Life skills training. Journal of International Relations, 19, 687- 411.